



The Role of the Change of Landholding Practices of the Qajar and Pahlavi Periods in the Decline of Silk Cultivation in the Villages of Guilan and Mazandaran

Nadia Rah¹, Sina Foroozesh^{2*}

1- *PhD student of Iranian history after Islam, University of Research Sciences, Tehran, Iran.
Nadia.rah1359@gmail.com*

2*- *Associate Professor, Department of History, University of Research Sciences, Tehran, Iran. sinaforoozesh@gmail.com*

Article Info

Article type:
Research Article

Received:
26/07/2023

Accepted:
08/10/2023

ABSTRACT

One of the problems of the contemporary history of Iran was the widespread famine crisis in the late Pahlavi period until the early period of Mohammad Reza Shah. The coincidence of this phenomenon with World War II and the occupation of the country by the Allies added to the severity of this crisis. This issue seems to be more serious in the southern regions of Iran. What has received less attention in this field is the examination of rural life in the midst of this crisis. This research seeks to describe the conditions of Bushehr villages during the considered famine period, investigate the measures taken and the consequences of the said crisis. This research has been done using descriptive-analytical method and using written sources, archival documents and press.

The results of this research show that most of the villages in the mentioned areas in the Persian Gulf region have been involved in this crisis. Meanwhile, the actions of the central government and local administrators sheriffs and Khans could not control this crisis. Because of this, many deaths, widespread insecurity, and finally the massive migration of rural people to the big cities of that period were among the results of this crisis.

Keywords: Pahlavi period, Persian Gulf, Bushehr, Rural areas, Famine and Drought.

Cite this article: Rah, Nadia; Foroozesh, Sina, (2022), "The Role of the Change of Landholding Practices of the Qajar and Pahlavi Periods in the Decline of Silk Cultivation in the Villages of Guilan and Mazandaran", Vol. 1, No. 2, p: 123-148.

DOI: 10.30479/hvri.2023.19130.1012



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Sina Foroozesh

Address: Associate Professor, Department of History, University of Research Sciences, Tehran, Iran

E-mail: sinaforoozesh@gmail.com



فصلنامه

تاریخ روستا و روستانشینی در ایران و اسلام

شاپا الکترونیکی: ۶۰۱۲-۳۰۶۰

سال اول، دوره جدید، شماره اول، تابستان ۱۴۰۲



نقش تغییر شیوه‌های زمین‌داری دوره‌های قاجاریه و پهلوی در اضمحلال

نوغان‌داری روستاهای گیلان و مازندران

نادیا ره^۱، سینا فروزش^{۲*}

^۱- دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

Nadia.rah1359@gmail.com

^{۲*}- دانشیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. sinaforoozesh@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	
دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴	
پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶	
	<p>جغرافیای منحصر به فرد گیلان و مازندران بستری مناسب جهت پرورش توتستان‌های وسیع و نوغان‌داری در ادوار تاریخی بوده است، به نحوی که نوغان‌داری، بخشی از اقتصاد معیشتی مردم گیلان و مازندران را شامل می‌شد. زمین‌های مرغوب زیر کشت توتستان‌ها از دوره صفویه، به‌عنوان زمین‌های خالصه درآمد و بعدها نیز در اختیار حکومت‌های دیگر قرار گرفت. در دوره قاجاریه، با حفظ این سنت، با رقابت‌های داخلی و خارجی برای کسب منافع حاصل از ابریشم، شیوه خصوصی‌سازی افزوده شد. با روی کار آمدن حکومت پهلوی و اجرای سیاست‌های مدرنیزاسیون و اصلاحات ارضی، تغییرات بسیاری در شیوه زمین‌داری رخ داد. به نظر می‌رسد تغییرات حاصله، بر صنعت نوغان‌داری و وضعیت معیشت نوغان‌داران اثرگذار بوده است. مقاله پیش‌رو با روش تحقیق تاریخی و با رویکرد کیفی صورت پذیرفته است؛ گردآوری داده‌های مقاله، به روش تاریخی و اسنادی انجام و به شیوه توصیفی-تحلیلی نگارش شده است. مقاله حاضر در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که چه عواملی موجب تغییر شیوه‌های زمین‌داری در دوره‌های قاجاریه و پهلوی شده و این عوامل چه تأثیری در ضعف و زوال نوغان‌داری گیلان و مازندران داشت؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد؛ در پی تغییرات شیوه‌های زمین‌داری، روستاییان نوغان‌دار، در مرحله نخست کارگران زمین‌داران عمده و در مرحله دوم، کارگران کارخانه‌های صنعتی شدند. توتستان‌ها در سیستم شرکت‌های سهامی عام و خاص، به شیوه صنعتی احداث شدند و خرده‌زمین‌داران، با شیوه سنتی نوغان‌داری، یارای رقابت با آن‌ها را نداشتند. در نتیجه تغییرات شیوه‌های زمین‌داری در دوره‌های قاجار و پهلوی، نوغان‌داری در روستاهای گیلان و مازندران مضمحل شد.</p> <p>واژگان کلیدی: ابریشم، شیوه‌های زمین‌داری، روستاهای گیلان و مازندران، قاجاریه، پهلوی.</p>

استناد: ره، نادیا؛ فروزش، سینا، (۱۴۰۲)، «نقش تغییر شیوه‌های زمین‌داری دوره‌های قاجاریه و پهلوی در اضمحلال نوغان‌داری

روستاهای گیلان و مازندران»، فصلنامه تاریخ روستا و روستانشینی در ایران و اسلام، سال اول، شماره اول، ص: ۱۴۸-۱۲۳.

DOI : 10.30479/hvri.2023.19130.1012

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

حق مؤلف © نویسندگان.



مقدمه

جغرافیای گیلان و مازندران، به دلیل قرار گرفتن در بین دریای کاسپین و رشته کوه‌های البرز و تالش، اقلیم متمایزی از سایر نقاط ایران دارد. این ویژگی طبیعی خاص، سبب شده است تا این مناطق، استعداد پرورش یکی از مهم‌ترین کالاهای راهبردی بازار جهانی، یعنی ابریشم را در خود داشته باشد. با افزایش تقاضای جهانی ابریشم، جغرافیای گیلان و مازندران مورد توجه حکام قرار گرفت. زمین‌های حاصلخیز این مناطق، زیر کشت توتستان رفت و تلنبرهای پرورش ابریشم ساخته شد. حرفه نوغان‌داری، مبتنی بر تولید و تجارت ابریشم پدید آمد. دیری نپایید تا اقتصاد معیشتی مبتنی بر ابریشم شکل گرفت؛ زیرا حرفه پرمفعت نوغان‌داری، جهت کار در توتستان، تلنبرهای پرورش کرم ابریشم تا پیله ابریشم، نیاز به نیروی کار داشت؛ بنابراین مردم زیادی در این حرفه مشغول شدند. انحصار تولید و تجارت ابریشم از سوی حکام، در ادوار متعدد تاریخی، سبب شد تا زمین‌های ابریشم‌خیز به مالکیت خالصه درآید. از این‌رو نوغان‌داران به رعایای املاک خالصه مبدل شدند؛ از این‌رو تغییر در شیوه زمین‌های زراعی نوغان‌داری، بر تولید و تجارت ابریشم و معیشت نوغان‌داران اثرگذار بوده است.

مقاله پیش‌رو با روش تحقیق کیفی تاریخی انجام شده، گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی صورت پذیرفته و سپس مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی تدوین و نگارش شده است. مقاله حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که چرا و چگونه تغییر شیوه‌های زمین‌داری در دوره‌های قاجار و پهلوی، سبب اضمحلال نوغان‌داری روستاهای گیلان و مازندران شد؟ به نظر می‌رسد تحولات دوره‌های قاجار و پهلوی و سیاست‌های اقتصادی-راهبردی در این ادوار، بر روی شیوه‌های زمین‌داری اثرگذار شده است؛ بنابراین در مقاله پیش‌رو تلاش شده است اثرات تغییرات شیوه زمین‌داری بر معیشت نوغان‌داری، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حرفه‌های اقتصادی ایران مورد بررسی قرار گیرد.

در زمینه تغییر شیوه‌های زمین‌داری در دوره قاجار و پهلوی، در برخی کتاب‌ها، مقالات و مجموعه‌های اسنادی، مطالب متعددی منتشر شده است؛ از جمله: لمبتون در مالک و زارع در ایران، به شرح تیول‌داری در دوره قاجار پرداخته است (لمبتون، ۱۳۹۳: ۲۶۶-۲۸۴). محمدرضا سوداگر در کتاب رشد روابط سرمایه‌داری در ایران، در نقدی بر اصلاحات ارضی، آن را موجب رشد طبقه سرمایه‌داری در ایران معرفی کرده است (سوداگر، ۱۳۶۹: ۱۶). مقالاتی نیز در این

خصوصاً منتشر شده است؛ از جمله: مصطفی ازکیا در مقاله‌ای تحت عنوان «نقدی بر مطالعات توسعه روستایی در ایران با ارجاع به کتاب مالک و زارع لمبتون» به تحلیل اصلاحات ارضی و پیامدهای آن پرداخته است (ازکیا، ۱۳۶۶: ۱۱).

در مطالعات جدید، مقالاتی چون «رشد مناسبات اربابی و تأثیر آن بر زندگی کشاورزان در دوره قاجار (با تأکید بر اصالت‌های شمالی ایران)» به نگارش زهرا نادى، محسن بهشتی‌سرشت، ذکراالله محمدی و باقرعلی عادل‌فر، با تمرکز بر تغییرات شیوه زمین‌داری در دوره قاجاریه، مطابق با نظرات جان فوران و آن لمبتون نگارش شده است.

با وجود این، گزارش‌های مبنی بر اثرگذاری تغییر در شیوه‌های زمین‌داری بر نوغان‌داری کمتر دیده شده است و تحلیلی در این باب به‌طور دقیق صورت نگرفته است. در مقالات و مطالعات اخیر، عباس پناهی و همکاران، در کتاب *صنعت نوغان‌گیلان در مسیر جاده ابریشم* که در دانشگاه گیلان منتشر شده است، به‌طور مختصر به تأثیر تغییرات شیوه زمین‌داری در نوغان‌داری پرداخته‌اند (پناهی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۴). نویسندگان این کتاب معتقدند؛ سیاست‌های اقتصادی دوره پهلوی، مبتنی بر نظام سرمایه‌داری غربی پایه‌ریزی شده است؛ به‌همین سبب اصلاحات ارضی، پیامدهایی مانند خروج کارگران کشاورزی و هجوم به شهرها را در بر داشت. هرچند طرح‌های بزرگی برای توسعه صنعتی ابریشم انجام شد؛ اما به‌دلیل کمبود نیروهای متخصص در زمینه نوغان‌داری، این صنعت دچار رکود شد. با وجود این تحقیقات، پژوهشگران به تحلیل و تشریح اینکه تغییر شیوه‌های زمین‌داری در دوره‌های قاجاریه و پهلوی، چرا و چگونه در اضمحلال نوغان‌داری روستاهای گیلان و مازندران اثر گذاشته است، نپرداخته‌اند.

۱. نوغان‌داری در جغرافیای تاریخی گیلان و مازندران

هرچند چگونگی پیدایش نوغان‌داری ایران در هاله‌ای از ابهام است؛ اما جغرافیای ابریشم‌خیز آن، گیلان و مازندران، به‌دلیل شرایط آب و هوایی ویژه، در نوغان‌داری پیشینه‌ای به ژرفای تاریخ این سرزمین دارد. اهمیت نوغان‌داری در دوره‌های تاریخی، زمینه‌ساز توجه استراتژیک و اقتصادی به شمال ایران شده است. جغرافیای گیلان و مازندران اقلیمی متمایز از سایر نقاط ایران دارد. از بخش جنوبی البرز تا بخش‌های شمالی البرز، گویای این وجه تمایز اعجاب‌انگیز است. این اعجاب در سفرنامه‌های اروپاییان از عصر صفویه تا دوره قاجار دیده می‌شود.

دریای مازندران تأثیر زیادی بر اقلیم گیلان و مازندران دارد. «در دهانه رودهایی که به دریای مازندران ختم می‌شدند، [تا عصر قاجار] بنادری به وجود آمده بودند که مرکز تجارت گیلانیان با سایر اقوام و طوایف آن‌سوی دریای مازندران بود؛ بنابراین یکی از عوامل آبادانی گیلان منحصر به این دریاست» (فخرایی، ۱۳۵۴: ۳۶-۳۷).

در بین رودخانه‌های منتهی به دریای مازندران، سفیدرود از اهمیت زیادی برخوردار است. سفیدرود، به نام «قزل‌اوزن»، از کوه‌های چهل‌چشمه کردستان سرچشمه می‌گیرد و به دریای مازندران می‌ریزد. در مسیر سفیدرود شاخه‌های بسیاری به آن می‌پیوندند که آخرین شاخه، رودخانه شاهرود است. شاهرود از کوه‌های طالقان سرچشمه می‌گیرد. پس از آن، به صورت رودی عظیم وارد تنگه منجیل می‌شود و سفیدرود نام می‌گیرد. از آن پس با جریانی که به سبب شیب زیاد تند می‌شود، در جهت شمال‌خاوری به سوی دریای مازندران روان می‌شود. جریان تند آب باعث شده که سفیدرود بارها بستر خود را تغییر دهد و هر بار راه تازه‌ای به سمت دریا بگشاید و از این رو دلتای آن، با توجه به این تغییر مسیرها، بارها در طول تاریخ دگرگون شده است. سفیدرود، در گذشته‌ای نه‌چندان دور، در بستر قدیمی خودش، در ناحیه «دستک»، به فاصله حدود ۱۰ کیلومتر در باختر کیشهر، وارد دریا می‌شد. این رودخانه، زمانی هم از نزدیکی لنگرود می‌گذشته است (بیابانی، ۱۳۷۴: ۱/ ۴۷۵). سفیدرود که امروزه وسعت دلتای آن به ۱۷۰۰ کیلومتر مربع می‌رسد، در پیدایش جلگه گیلان نقش مؤثری داشته است (بیابانی، همان: ۱/ ۴۷۵).

رشته‌کوه البرز، در ناحیه جنوبی دریای مازندران، از جنوب‌شرقی تا خط‌الرأس جنوب‌غربی آن گسترده شده است و در منتهی‌الیه جنوب‌غربی البرز، رشته‌کوه‌های تالش در سواحل جنوب غربی دریای مازندران آرمیده است. رشته‌کوه‌هایی که از دره آستارارود شروع و تا مازندران باختری امتداد می‌یابد؛ «این ناهمواری‌ها نتیجه حرکت‌های کوه‌زایی اواخر دوران سوم و شامل دو رشته باختری- خاوری است. رشته خاوری کوه‌های گیلان، شامل ناهمواری‌های ناحیه دیلمان، عمارلو، سماموس، درفک و... در بخش باختری آن کوه‌های ماسوله، پشتکوه، تالش را شامل می‌گردد و تا تنگه منجیل ادامه می‌یابد» (فرجی و دیگران، ۱۳۶۶: ۲/ ۱۰۱۱). سلسله جبال مذکور، سرچشمه رودهایی هستند که پس از عبور از بستر جلگه‌های گیلان و مازندران به حوضه آبریز دریای کاسپین می‌ریزند.

جلگه وسیعی که عرض جغرافیایی آن محدود، اما طول جغرافیایی آن بین ۴۹ تا ۵۶ درجه خاوری است، از آستارا آغاز و به اترک ختم می‌شود و تنوع آب و هوایی آن سبب رشد و پرورش انواع گیاهان مدیترانه‌ای و استوایی در منطقه جلگه‌ای گیلان و مازندران و مناطق تپه‌ای-کوهستانی آن‌ها شده است (بدیعی، ۱۳۷۲، ۱/ ۹۱ و ۹۲). این جلگه، زمینه رشد و پرورش یکی از مهم‌ترین و مرغوب‌ترین نوغان و باغ‌های توت در جهان را فراهم کرده است. مهم‌ترین منبع اقتصادی عصر کبایبان و صفویه (کرم ابریشم) نیاز فراوان به برگ توت داشت؛ بنابراین جلگه جنوبی دریای کاسپین، بستر رشد و پرورش توتستان‌های وسیع بوده است. اولتاریوس به‌هنگام عبور از سرزمین گیلان، از گستردگی توتستان‌ها شگفت‌زده می‌شود؛ زیرا وی تا به آن روز، توتستان‌هایی به این گستردگی ندیده بود (اولتاریوس، ۱۳۶۴: ۲۳۵).

از نظر پاریزه و لائوفر، «ایرانی‌ها قبل از چینی‌ها ابریشم را می‌شناختند» (لافون و رایینو به نقل از پاریزه و لائوفر، ۱۳۷۲: ۱۳). در بندهش درباره کرم ابریشم چنین آمده است: «کرم ابریشم و نیز آنکه اندر آتش است که در ناحیه خراسان بود و نیز آنکه برف بود هر یک به اندازه دستی...» (دادگی، ۱۳۶۹: ۹۸). در نوروزنامه، منسوب به خیام، پرورش کرم ابریشم به هوشنگ نسبت داده شده است: «هوشنگ... آهنگری و درودگری و بافندگی پیشه آورد و انگبین از زنبور و ابریشم از پیله بیرون آورد و از پس او طهمورث بنشست... و بازارها و کوچه بنهاد و ابریشم و پشم بیافت» (خیام، ۱۳۵۷: ۷).

در تاریخ غررالخبار ثعالبی آمده است: «[جمشید] صنعت ابریشم و دیگر رشتنی‌ها را یاد داد و بفرمود تا لباس ببافند و رنگ کنند؛ نیز در تاریخ غررالسیر می‌گوید: «جمشید... نیز مردم را به رشتن ابریشم و کژ و کتان و پنبه فرمان داد تا از آن‌ها پارچه‌ها دوزند و جامه پوشند» (ثعالبی، ۱۳۷۲: ۴۴). در تاریخ معجم آورده شده است: «(تهمورث) از کرم قز، ابریشم استخراج کرد و به الهام الهی بدانست که خوردن ایشان توت است» (قزوینی، ۱۳۶۶: ۹۲).

منابع متقدم جغرافیایی نیز بر این نظر تأکید دارند که ابریشم نواحی شمالی ایران شهرت جهانی داشت. در «حدودالعالم» (تألیف ۳۷۲ هـ ق)، به‌عنوان یکی از کهن‌ترین منابع جغرافیایی ایران، درباره دیلمان چنین آمده است: «از این ناحیت ابریشم خیزد؛ یک‌رنگ و یا چندرنگ چون مبرم و حریر و آنچه بدان ماند» (حدودالعالم، ۱۳۷۰: ۱۴۳). مقدسی درباره ابریشم حاشیه جنوبی کاسپین نوشته است: «اینجا سرزمین پیله و ابریشم است، کارگرانش مهارت دارند و پارچه‌هایش

در مصر و عراق نامبردار است. گرگان روسری‌های ابریشمی دارد که تا یمن برده می‌شود» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/۵۱۷). در «صوره‌الارض» در خصوص اهمیت ابریشم گرگان چنین گزارش شده است: «اصل ابریشم طبرستان از ولایت گرگان به دست می‌آید و در طبرستان از پيله‌های گرگان که بهتر حاصل می‌دهد، استفاده می‌کنند؛ ولی مال خود طبرستان چنین نیست» (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۲۸).

حمدالله مستوفی در «نزهه‌القلوب» مناطقی همچون «تولم، رشت، فومن، لاهیجان، شفت و لیسار را مهم‌ترین مراکز تولید ابریشم گیلان یاد کرده است» (مستوفی، ۱۳۶۲: ۲۰۳). اصطخری که از رشت به ساری، مرکز ولایت مازندران، مسافرت می‌کرد، از ابریشم که به‌مقدار زیاد در طبرستان، ناحیه کوهستانی میان گیلان و استرآباد، تولید می‌شد، سخن گفته است. او مدعی است که: «از قرن سیزدهم به بعد، صنعت نوغان در ایران مورد توجه ویژه حاکمان قرار گرفت» (اصطخری، ۱۳۶۸: ۵۱).

اولین ارتباط تجاری ایران با اروپا، از مسیر دریایی کاسپین صورت گرفت. «در عهد شاه‌طهماسب صفوی (سال ۹۷۰ هـ ق/ ۱۵۶۲ میلادی) آنتونی جنکینسون^۱ فرستاده ملکه الیزابت، حامل مکتوب ملکه فوق‌الذکر به شاه‌طهماسب صفوی بود» (محمود، ۱۳۴۴: ۱/۲). «در نیمه قرن شانزدهم میلادی، کمپانی مسکوی، به‌وسیله نماینده خود، آنتونی جنکینسون و دیگران، تلاش شهادت‌آمیزی نمود که باب تجارت انگلستان را با دریای کاسپین از طریق روسیه مفتوح سازد. این دسته از تجار، در جستجوی ابریشم گیلان به این صفحات آمدند» (کرزن، ۱۳۸۰: ۱/۴۸۲).

انحصار ابریشم، به‌عنوان یکی از کالاهای راهبردی در دوره صفویه، یکی از انگیزه‌های شورش‌های دهقانی در تصاحب بهره آن بود. «گاهی در شورش‌های مردمی به انبارهای شاهی در مناطق ابریشم‌خیز حمله می‌شد و این انبارها مورد غارت قرار می‌گرفتند، به‌عنوان مثال؛ در شورش‌ها و حوادث پس از مرگ شاه‌عباس در گیلان، علاوه بر تلفات نیروی انسانی، زمینه تولید ابریشم کاهش پیدا کرد» (ثواقب، ۱۳۸۱: ۲۳۶). باوجود این، شاه‌صفی نیز کوشید تا تجارت ابریشم را در انحصار خود نگه دارد. سخت‌گیری و فشار بر رعایا، به‌ویژه نوغان‌داران، برای دریافت ابریشم آنان با قیمت پایین و جمع‌آوری در انبارهای شاهی و فروش به چندین برابر قیمت، سبب نارضایتی و خشم مردم شد؛ به‌گونه‌ای که در سال ۱۰۳۹ هـ ق عده‌ای از ایلات تالش و فومنات

^۱. Antony jenkinson

و روستاییان لشت‌نشاء، علیه شاه‌صفی شوریدند و با تصرف شهرهای رشت، فومن و لاهیجان، اموال شاه و تجار ابریشم را غارت کردند. تعداد زیاد نیروهای شرکت‌کننده در این شورش، نشان می‌دهد که قشر وسیعی از روستاییان از سختگیری‌های مالیاتی شاه ناراضی بودند (ثواقب، همان: ۷۶).

گزارش‌های منابع تاریخی نشان می‌دهد؛ مردم انبارهای دولتی را شکستند و ۲۰۰ خروار، معادل ۵۹ هزار کیلوگرم، ابریشم خام توسط شورشیان مصادره شد. به گفته عبدالفتاح فومنی، عادل‌شاه، از رهبران شورشیان، اسباب و اموال میرمراد لشت‌نشایی، کلاتر و حاکم شاه‌عباس در لاهیجان، را که از نقود و اجناس و غیره، تخمیناً سی‌هزار تومان می‌شد، به غارت و تاراج برد (پناهی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۰). پس از سقوط صفویان، آشوب‌های داخلی به‌طور جدی به تولید و تجارت ابریشم ایران خسارت وارد کرد.

سرانجام، در دوره قاجار، عوامل بسیاری از جمله بیماری ابریشم، آفت توتستان، جنگ‌های داخلی و سیاست‌های استعماری، سبب رکود نهایی در تولید و تجارت ابریشم شد. فقط برای مدت کوتاهی در دوره ناصری، به جهت سرعت گسترش مدرنیته و همچنین سفرهای متعدد شاه و درباریان به اروپا و الگوپذیری از پیشرفت‌های آنان، دولت‌مردان در پی یافتن راه‌حل عقب‌ماندگی ایران افتادند و این اتفاق بر صنعت ابریشم نیز تأثیرگذار شد؛ از این رو به دستور میرزاتقی‌خان امیرنظام، تعدادی از هنروران ابریشم‌کاشان برای آموزش علمی ابریشم‌بافی راهی استانبول شدند. در گیلان نیز مدارس ابریشم زیر نظر استادان فرانسوی تأسیس گردید (پناهی و همکاران، همان: ۲).

رابینو گزارشی از توسعه تولید ابریشم در دوره قاجار ارائه می‌دهد: پرورش کرم ابریشم در گسکرات، در نهایت شکوفایی است و اساسی‌ترین صنعتی است که ساکنان گیل گسکر به آن می‌پردازند. این محصول، در گذشته با وجود توتستان‌ها و تلبارهای فراوان، یکی از درآمدهای مهم و اصلی مردم این منطقه را تشکیل می‌داده و با وجود تولید انبوه این محصول درآمدها، مؤسساتی برای خشک‌کردن آن در این منطقه وجود داشته است (گزارش‌های ه ل رابینو در سال ۱۳۳۱ هـ ق / ۱۲۹۲ هـ ش). «بیش از ۸۰٪ محصول ابریشم کشور در استان گیلان و باقی آن در استان‌های خراسان، مازندران (گنبد، کلاردشت)، اصفهان، یزد و آذربایجان به دست می‌آید. عمده

مناطقى که در استان گیلان نوغان‌داری در آن رواج دارد، به‌ترتیب: شهرستان‌های لنگرود، آستانه اشرفیه، لاهیجان، فومنات، بندرانزلی و طوالش می‌باشد» (طاهری، ۱۳۷۷: ۵۲).

درگیری نوغان‌داری ایران با بیماری پیرین، تا اواخر قرن نوزدهم ادامه داشته است. لافون و رابینو^۱ در کتاب *صنعت نوغان ایران*، تعطیلی نوغان‌داری و کارگاه‌های ابریشم‌کشی و بافندگی را در نقاط مختلف ایران، به‌سبب بیماری پیرین، گزارش کرده است. او پیشنهاد می‌کند که «پرورش کرم ابریشم باید در روستا، یعنی جایی که انجام این کار خیلی دشوار نباشد و یا احتمال پیشرفت پیرین کمتر باشد، عملی شود. سرزمین‌های کوهستانی دارای چنین شرایطی است»؛ «در دامنه‌های جنوبی البرز، جایی که امروزه از پرورش کرم ابریشم نشانی نیست و در نتیجه از پیرین هم اثری دیده نمی‌شود، جاهایی وجود دارد که برای تهیه تخم نوغان بسیار مستعد است» (لافون، رابینو؟؟؟، ۱۳۷۲: ۲۵۳).

در عصر پهلوی، با توجه به رویکرد نوگرایی حکومت، مدرنیزاسیون با توسعه شتابانی در کشور آغاز شد. با ورود ماشین‌آلات غربی و ارتقای تکنولوژی صنعتی، ضمن اینکه صنایع سنتی ایران به‌لحاظ آموزش تکنولوژیکی به غربی‌ها وابسته گردید، به‌تدریج کارگاه‌های سنتی نیز برچیده شد (پناهی و همکاران، همان: ۱۲۲). این‌گونه ماساجی، محقق ژاپنی، گزارش می‌دهد که رکود و زوال صنعت و تجارت ابریشم، کار را به‌جایی رساند که روستاییان پرورش نوغان را رها کرده و به کارهای دیگر رو آوردند. نزدیک رشت، به‌جای توت نهال زیتون نشانندند. در نواحی مرکز ایران که ابریشم تولید می‌شد، کشت تریاک را جایگزین درخت توت کردند. این کار برای کشاورزان سودآور بود؛ زیرا که در این زمین‌ها برنج مرغوب هم نمی‌توان کاشت (رجب‌زاده، ۱۳۹۲: ۹۸).

۲. نقش تغییر نظام زمین‌داری بر نوغان‌داری گیلان و مازندران

ظهور امپراتوری قدرتمند تزاری روسیه و پس از آن، تشکیل دولت اتحاد جماهیر شوروی در دوران معاصر، بر اهمیت ژئوپلیتیک دریای کاسپین و به‌تبع ایالات هم‌جوار با آن افزود. علاوه‌براین، کسب منافع تجارت ابریشم در جغرافیای شمالی ایران نیز سبب توجه به این منطقه می‌شد. از یک‌سو حکام داخلی و از سوی دیگر دول خارجی، برای تصاحب این منافع با یکدیگر رقابت

1. *Hiacynthe- Louis Rabino (1877- 1950)*

سرکنسول بریتانیا در رشت که شش‌سال در گیلان زندگی کرد و شش کتاب درباره گیلان نوشت.

داشتند. در بین رقبای خارجی، روسیه، به دلیل هم‌جواری با صفحات شمالی ابریشم‌خیز ایران، خود را ذی‌نفع می‌دانست. سیاست‌های اقتصادی ایران در دوره معاصر، متأثر از تحولات سیاسی منطقه‌ای بود که با شروع عصر نوگرایی توأم با اصلاحات رخ نمود. مهم‌ترین تحولات اقتصادی اثرگذار بر نوغان‌داری، به‌عنوان حرفه اقتصادی راهبردی ایران، سیاست‌های تغییرات در شیوه زمین‌داری بود. تغییرات زمین‌داری در دوره قاجاریه را باید در دو بخش داخلی و خارجی بررسی نمود.

۱-۲. تغییرات شیوه زمین‌داری در دوره قاجاریه

حکومت قاجار، در قرن نوزدهم و با اندک تفاوتی، وارث نظام اجتماعی و زمین‌داری زمان صفویه شد. شاه‌عباس برای تجهیز سپاهش، از ارامنه و گرجیان بهره جست (تذکره‌الملوک، ۱۳۶۵: ۵). برای پرداخت مزد این سپاهیان، املاک خالصه را به‌عنوان تیول به آنان داد (شاردن، ۱۳۹۳، ج ۵: ۲۹۸-۹). شیوه‌های زمین‌داری در این دوره شامل: ۱- اراضی خالصه یا اراضی دولتی؛ ۲- اراضی اشراف و نجبا، فرماندهان ارتش و رهبران ایلات و قبایل؛ ۳- اراضی موقوفه؛ ۴- املاک عمده مالکی؛ ۵- اراضی خرده‌مالکان (فشاهی، ۱۳۶۰: ۱۶۷).

در دوره قاجاریه تیول‌داری، به‌مانند دوره صفویه، مرسوم شد. لمبتون توسعه تیول‌داری را در چند بخش ذکر کرده است: ۱- اختصاص عواید زمین‌های خالصه به صاحبان مناصب، به‌عنوان حقوق و مواجب؛ ۲- اهدای زمین به عشایر و ملزم‌ساختن آنان که در ازای تیول‌داری، متعهد شوند قوای نظامی بنیچه فراهم کنند؛ ۳- اعطای حق وصول مالیات ناحیه‌ای که یا زمین خالصه به‌شمار می‌رفت، یا ملک شخص ثالث یا ملک کسی که تیول به او داده شده بود و در مورد اخیر، معنی تیول معاف‌بودن از پرداخت مالیات بود (لمبتون، ۱۳۹۳: ۲۶۶). «تیول‌داران سده‌دهم محصول را که اعم از بهره مالکانه است، به‌علاوه مالیات دیوان و آنچه ممکن است از کشاورزان گرفت، می‌گیرند و این در صورتی است که زمین متعلق به دیوان باشد؛ اما اگر تیول را از محل عواید ملک دیگری مقرر کرده باشند، در این حال، تیول فقط عبارت است از مالیات دیوان با دو دهم محصول» (فریزر، ۱۳۶۴: ۲۱۱).

در قرن نوزدهم، تولید و تجارت ابریشم برای اقتصاد ایران و به‌ویژه گیلان، بسیار دارای اهمیت بوده است. در دوره محمدشاه قاجار، بیشترین صدور ابریشم به روسیه از طریق دریای

کاسپین بود که بازرگانان روسی سهم بیشتری در این تجارت داشتند و بیش از ۹۵ درصد صدور این محصول به فرانسه و انگلیس صورت می‌گرفت (حوچکو، ۱۳۸۸: ۱۱۶-۱۱۷).

در گیلان، تقریباً همه خانوارها کرم ابریشم پرورش می‌دادند (بنجامین، ۱۳۷۳: ۳۱۵-۳۱۶). اقتصاد مبتنی بر ابریشم سبب شد تا اکثر زمین‌های زراعی، به کشت درخت توت برای تهیه غذای کرم‌های ابریشم اختصاص یابد و اهالی گیلان، برای رفع مایحتاجشان، تا سال‌ها از مازندران مواد غذایی مانند برنج را وارد کنند. با بروز بیماری پبرین در کرم ابریشم، نوغان‌داران گیلانی به وضعیت بحرانی در معیشت رسیدند. این موضوع دستاویزی برای حاکمان و مباشرین گیلان فراهم آورد که سالانه تا صدوپنجاه هزار تومان از دولت تخفیف مالیاتی بگیرند؛ بدون اینکه کشاورزان از آن بهره‌ای ببرند (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۹۸)؛ از این‌رو، رعایا برای ضربه‌زدن به منافع حکام، توتستان‌ها را ویران می‌کردند؛ اما با وجود این، تسطیح جنگل‌ها به‌منظور ایجاد کشتزارهای توت، هر ساله رو به افزایش بود (هولمز، ۱۳۹۰: ۸۵).

دولت مرکزی برای برون‌رفت از بحران اقتصادی که درآمد دولت از زمین‌های خالصه را در معرض خطر قرار داده بود، سیاست‌های اقتصادی خود را تغییر داد. سیاست تعدیل ساختاری بدوی، مهم‌ترین اصلاحات زمین‌داری در دوره قاجار محسوب می‌شود؛ زیرا زمین‌های خالصه به اشخاص فروخته شد و مالکیت خصوصی رسمیت یافت. «پس از انقلاب مشروطیت و در سال ۱۳۲۴ ق/ ۱۹۰۶ م، نیز خصوصی‌سازی مالکیت زمین رشد بیشتری یافت» (کاظم‌بیگی، ۱۳۹۸: ۱۶۸). بخش بزرگی از خریداران این املاک از طبقه بورژوازی تجاری بودند که در مقابل پرداخت پول به شاه و دولت، به خرید اراضی دولتی و تبدیل آن به املاک اربابی اقدام کردند. پس از مشروطه، برای نخستین بار، قوانین مدوئی در دفاع از مالکیت خصوصی تدوین شد (سیف، ۱۳۸۰: ۱۷۷).

لغو تیول‌داری در سال ۱۹۰۷/ ۱۲۸۶ خ. به نفع پاره‌ای از دهقانان بود؛ اما در واقع توفیری در قضایا به وجود نیاورد؛ بلکه بر اساس سیاست نوین اقتصادی، دهقانان مالیات‌پرداز به دولت شدند (فوران، ۱۳۹۲: ۲۸۱). عریضه‌های بسیاری، از سوی نوغان‌داران، در مرکز اسناد مجلس موجود است که نشان از آن دارد که معیشت نوغان‌داران تحت فشار مالیات به فقاهت افتاده است (متن سند به پیوست شماره ۱).

قراردادهای سیاسی تحمیلی دوره قاجار، تأثیر بسیاری بر نظام زمین‌داری ایران داشت؛ همچنان که بعد از «معاهده تحمیلی [ترکمانچای]، حق مالکیت و بهره‌برداری قسمتی از بهترین زمین‌های مزروعی کشور ایران به روس‌ها داده شد» (یاوری، ۱۳۵۹: ۲۰). در نامه‌ها و اسناد برجای مانده از حوچکو، کنسول روسیه در ایران، مکاتبات بسیاری در خصوص پرداخت تنخواه به مالکین بومی گیلان دیده می‌شود و بیشتر مکاتبات مذکور، حول تأدیة مطالبات از ملاکین و رعایای بومی است. کنسولگری روسیه بر محصولات بومی، از جمله ابریشم، دخالت مستقیم داشت. ملاکین و نوغان‌داران، به‌طور دائم، از کنسول روسیه وام دریافت می‌کردند و اصل پول توأم با سود پول مذکور، عمدتاً با تحویل کالا و عدل‌های ابریشم صورت می‌گرفت (نوزاد، امیری، ۱۳۹۱: ۱۲۹).

کنسولگری روسیه، با اجرای سیاست‌های اقتصادی، توانست کنترل قیمت تجارت تخم نوغان و ابریشم را، با تسلط بر بازار داخلی، به‌ویژه در رشت، در دست بگیرد. حوچکو، سرکنسول روسیه در رشت، در خصوص نحوه تعیین قیمت ابریشم، در یکی از اسناد خود، در سال ۱۲۷۴ هـ. ق، در خصوص مظنه ابریشم گزارش مبسوطی ارائه داده است که به امضای برخی از تجار ابریشم درآمده است: «مشهدی خداوردی، تاجر شیروانی که در تاریخ مسطور متن ابریشم وسط و اعلا، از قرار یک‌من به وزن شاه، مبلغ ده تومان، سه هزار و چهار هزار بود. عبده خداوردی» (نوزاد، امیری، همان: ۲۱۸).

«در ایران رشد و تکامل سرمایه‌داری، زائیده پویش اقتصادی- اجتماعی جامعه نبود» (سوداگر، ۱۳۶۹: ۱۶)؛ بلکه تجاری‌شدن کشاورزی، آغاز شیوه سرمایه‌داری نوین در ایران بود. یکی از پیامدهای این نوع سرمایه‌داری، «تبدیل شدن ایران به کشور تأمین‌کننده مواد خام کشورهای غربی بود» (عیسوی، ۱۳۶۲: ۸۴).

ابریشم ایران، یکی از کالاهای پر تقاضای بازار صنعت اروپا محسوب می‌شد. «در دهه ۱۲۷۹ ق/ ۱۸۶۳ م و پس از بروز بیماری کرم ابریشم، میزان تولید ابریشم به یک‌چهارم کاهش یافت و با کاهش این محصول، اهالی گیلان به تولید برنج برای روسیه روی آوردند» (رابینو، ۱۳۶۶: ۴۶). «کل محصول صادراتی ابریشم که پیش از این بین ایتالیا و فرانسه تقسیم می‌شد و پس از بروز بیماری، تأمین تخم نوغان کمپانی‌هایی از کشورهای ژاپن، یونان و عثمانی، فرصت حضور در این بازار تجاری را یافتند» (جمال‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۶-۲۷). در اسناد وزارت امور خارجه، اشاره به جایگزینی تجار یونانی به‌جای تجار فرانسوی دارد، به تاریخ مورخه ۱۵ رمضان ۱۳۲۸ هـ. ق آمده

است: «تخم نوغان‌هایی که یونانی‌ها از فرنگ می‌آوردند، بعد از چندسال دیگر تجارت گیلان ترقی فوق‌العاده‌ای خواهد نمود» (مرکز اسناد تاریخ دیپلماسی، ۳۸- ۰۴ - ۲۵ - ۱۳۲۸ ق) (پیوست شماره ۳). «از این پس اراضی بسیاری که زیر کشت غلات بودند، به تولید محصولات اختصاص دادند که در بازار جهانی فروش خوبی داشت» (فوران، ۱۳۸۹: ۱۸۲ و ۱۸۳).

مالکان گیلان و مازندران، اراضی خود را به کشت محصولات تجاری اختصاص دادند. «عمده مالکانی که در مازندران و گیلان در این زمینه فعالیت می‌کردند، عبارت بودند از: مفتخرالملک در لاهیجان، سردار معتمد در طولم، سپهدار اعظم در تنکابن، عمیدالسلطنه و ضرغام‌السلطنه در طالش، شریف‌العلما و اعتمادالعلما در موازی، امین‌الدوله در لشت‌نشاء و سردار منصور در دهات مختلف بودند» (مجله فلاح و تجارت، س ۲، شماره ۱، ۱۲۹۸). «بنا بر گزارش دبیر سفارت انگلیس، در این دوره درآمد ارزی کشور از صدور ابریشم، بالغ بر هفتصد هزار لیره استرلینگ بود» (رابینو، همان).

سیاست‌های نوین اقتصادی مبتنی بر صادرات محصولات، سبب افزایش اهمیت زمین‌های زراعی شد و تمایل خرید خرده‌مالکان به سرمایه‌گذاری در این بخش افزایش یافت. «درآمد قابل توجه حاصل از سود زمین‌های زراعی، موجب روی آوردن گروه‌های مختلف به زمین‌داری و در نتیجه، رشد مالکیت خصوصی شد. به جز نبود امنیت مالی و ترس از سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌ها، به‌ویژه صنعت، خرید اراضی خالصه و غصب زمین‌های دیوانی (تیول) مهم‌ترین علت رشد مالکیت خصوصی بود» (اشرف، ۱۳۵۲: ۱). «ورود این زمین‌داران غیرحرفه‌ای را به طبقه مالکان بزرگ، نباید تنها به علت منافع اقتصادی و قدرت سیاسی دانست؛ بلکه ارزش‌های اعتباری و حیثیتی نیز عده‌ای را به سوی ملک‌داری سوق داد؛ زیرا در جامعه ایرانی آن زمان، تعداد روستاها و مزارع در تملک هر مالک، برای وی نوعی اعتبار و حیثیت اجتماعی می‌آورد» (وثوقی، ۱۳۶۹: ۱۷۲).

عمده مالکین نیز، برای تأمین منبع مالی خود، شروع به دادوستد زمین کردند. «اسناد باقی‌مانده از خاندان منجم‌باشی نیز از فروش زمین‌های مختلف به تاجران گیلانی حکایت می‌کند؛ برای نمونه در سال ۱۲۷۲ ق / ۱۸۵۵ م میرزا عبدالباقی منجم‌باشی، فرزند بزرگ‌آقا، شش‌دانگ از اراضی روستای نلکسر رانکوه گیلان را، طی معامله‌ای به محمدحسین، فرزند حاجی یوسف‌علی تاجر لنگرودی، فروخت» (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۶۲۷۱/۲۹۶). «برخی از تجار نیز

با انعقاد مصالحه‌نامه‌هایی، تعدادی از روستاهای مازندران را خریداری کردند و کشت و صدور محصولات را تحت نظارت خود درآوردند. بر اساس آنچه در اسناد بازتاب یافته است، در سال ۱۳۳۵ ق/ ۱۹۱۶ م، عبدالحمیدمان، فرزند آقامحمدخان تاجر، طبق قراردادی بخشی از روستای نجارکلا، واقع در بلوک کیاکلا در بارفروش (بابل) مازندران را از دختر آقامیرزابع مستوفی علی‌آبادی مازندرانی خریداری کرد^۱ (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۲۸۱۲/۲۹۶). بسیاری از تاجران گیلانی؛ از جمله «صمدخان تاجرباشی در رشت، ترایل پایین^۱ و شرکا در لنگرود و برادران تومانیانس^۲ در صنعت ابریشم دستی داشتند» (مجله فلاح و تجارت، ۱۲۹۸: ۴۴۹ و ۴۵۰).

علاوه بر تاجران، اتباع خارجی نیز به خرید املاک شمال ایران علاقه‌مند شدند؛ به طوری که در آستانه جنگ جهانی اول، «بسیاری از کشاورزان روسی به ایالت استرآباد آمدند و با خرید زمین، به کشاورزی مشغول شدند. حتی کارمندان و افسران روسی مقیم ایران نیز در معامله املاک و اراضی بزرگ مشارکت کردند؛ از جمله این افراد باید به ژنرال پوتاپوف^۳ اشاره کرد که در سال ۱۳۳۱ ق/ ۱۹۱۲ م قطعه ملک بزرگی در استرآباد خریداری کرد. در طول سال‌های جنگ، به‌ویژه طی سال ۱۳۳۵ ق/ ۱۹۱۶ م، مهاجرت روس‌ها به همراه خانواده به استرآباد ادامه یافت و بسیاری از آن‌ها مشغول زراعت شدند؛ برای نمونه فردی به نام پولکونیک بیالونویچ^۴ قره‌بلاغ واقع در استرآباد را برای زراعت اجاره کرد؛ همچنین اعضای کمپانی فلاح روسیه در گومیش‌تپه سکونت گزیدند» (پژوهشکده گیلان‌شناسی، GH1325- K27- P15). با تجاری‌شدن کشاورزی، نظام زمین‌داری در این دوره دستخوش دگرگونی‌های عمیقی شد. بارزترین تحول، گسترش میزان املاک خصوصی بود که بخشی از آن را تجار و کمپانی‌های خارجی نیز سهم بودند.

۲-۲. تغییرات شیوه زمین‌داری در دوره پهلوی

پس از مشروطه، با رویکرد قانون‌گذاری، انتظار می‌رفت املاک خالصه تعدیل و یا تعیین تکلیف شود؛ اما قانون مدنی ایران به بحث درباره املاک خالصه نپرداخت و در این باره سکوت کرد. در

1 - Terrail Payen

2- Toumaniantz

3- Potapov

4- Pvlkvnyk Byalvnyvj

این دوره، املاک خالصه به سه دسته تقسیم می‌شد: ۱- زمین‌هایی که در دیوان نادرشاه ثبت شده بود؛ ۲- خالصه‌های محمدشاهی؛ ۳- خالصه‌های ناصرالدین‌شاهی (لمبتون، ۱۳۹۳: ۴۲۴-۴۲۵). با شروع جنگ جهانی اول و حوادثی که در منطقه روی داد، ابریشم گیلان به شدت در ورطه سقوط افتاد؛ ولی پس از خاتمه جنگ، دوباره تجدید حیات نمود؛ به طوری که در سال ۱۳۰۵ خ. میزان مصرف تخم نوغان به صد هزار جعبه در سال که رقم قابل توجهی بود، رسید و در سال ۱۳۰۶ خ؛ یعنی سال‌های اولیه حکومت پهلوی، تولید پيله در گیلان به بیش از دوهزار تن رسید (لافون، رابینو، ۱۳۷۲: ۲۹).

با روی کار آمدن حکومت پهلوی، «زمین‌داران، از روی اکراه یا ترس، بخشی از املاک خود را پیشکش رضاشاه می‌کردند. تقریباً همه زمین‌های استان مازندران و بخش‌های وسیعی از گیلان و گرگان که مرکز تولید برنج ایران بود، به مالکیت خصوصی رضاشاه درآمد؛ یعنی ۲۰۰ روستا با جمعیتی متجاوز از ۳۳۵۰۰۰ نفر در مالکیت او قرار گرفت» (فوران، ۱۳۸۹: ۳۳۹). در یک جمع‌بندی کلی، نظام طبقات اجتماعی روستاییان در ایران عصر پهلوی، مشتمل بر زمین‌داران خصوصی، تیول‌داران، متولیان موقوفات، دهقانان اجاره‌دار، پیشه‌وران روستایی و دهقانان بدون زمین می‌شد (فوران، همان: ۳۶۳).

در بحران‌های داخلی، بسیاری از توتستان‌های گیلان تخریب شده بودند و از طرفی، به دلیل اینکه تولید نوغان در شیوه سنتی یکبار در سال انجام می‌گرفت، عملاً کاربری توتستان‌ها با وجود اینکه حجم بسیاری از اراضی کشاورزی را اشغال کرده بودند، بسیار محدود بود و برای نوغان‌داران غیراقتصادی به نظر می‌رسید (پناهی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۶-۱۱۷).

شیوه سنتی نوغان‌داری، ساختاری معیشتی داشت. به دلیل تعدد زیرمجموعه‌های تولید، نیروی کار بیشتری مورد تقاضا بود؛ زیرا نوغان‌داران در نگهداری توتستان‌ها، پرورش ابریشم، استخراج پيله، نخ‌کشی، رنگرزی و... فعالیت داشتند. در نتیجه، اقشار مختلفی از مردم در توتستان‌ها و کارگاه‌های سنتی مشغول به کار بودند. «اقتصاددانان، با استفاده از تحقیقات مردم‌شناسی، اقتصاد-های سنتی را اقتصاد تأمین بقا نامیدند» (فرخ‌نیا، ۱۳۸۹: ۸۴).

رضاشاه اقدام به سازمان‌دهی ابریشم ایران کرد. تصویب‌نامه خرید نوغان در سال ۱۳۰۶ خ. به دستور هیئت‌وزیران مصوب شد. در سال ۱۳۱۴ خ. اداره کل نوغان، با هدف تهیه و توزیع تخم نوغان و خرید پيله، تأسیس شد که زیر نظر وزارت کشور اداره می‌شد (وزارت کشاورزی، ۱۳۶۷:

۱۸)؛ اما چون تولید پيله برای کشاورزان در مقام مقایسه با برنج‌کاری و چای‌کاری و دیگر اقلام کشاورزی، مقرون‌به‌صرفه نبود؛ لذا در این‌گونه شرایط کاملاً طبیعی بود که نوغان‌داران به پرورش نوغان رغبتی نشان ندهند، به‌خصوص که غالباً بهای پيله خریداری دولت نیز به‌صورت نسیه پرداخت می‌شد» (بیابانی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۱۷۲).

محمدرضا شاه پهلوی سیاست‌های توسعه اقتصادی را دنبال کرد. اصلاحات ارضی سبب شد تا زمین‌های کشاورزی ایران از عمده‌مالکی به خرده‌مالکی تبدیل شود؛ اما «منافع حاصله از اصلاحات ارضی نمی‌تواند به‌طور مساوی توزیع شده باشد. اصلاحات ارضی به‌نفع گروه‌های دهقانی مرفه و بزرگ‌مالکان - که اراضی مرغوب خود را از تقسیم معاف کردند- و به‌ضرر قشرهای فقیر روستایی به پایان رسید» (ازکیا، ۱۳۶۶: ۱۰). «مهم‌ترین تفاوت نظام ارضی تازه در ایران با نظام اربابی، جایگزین شدن استثمار سرمایه‌داری به جای استثمار ارباب- رعیتی و کار مزدی به جای کار رعیتی بود. از آن پس کار مزدی، به‌صورت شکل اصلی کار در واحدهای کوچک و بزرگ کشاورزی تجارتي درآمد و به‌طور مستمر بر اهمیت آن افزوده شد» (سوداگر، ۱۳۶۹: ۳۰۱). «مالکیت فوق، عملاً مالکیت کاذبی بود؛ زیرا با وجود سرمایه‌داران بین‌المللی که در بخش کشاورزی ایران نفوذ کرده بودند و از طرف دولت نیز حمایت می‌شدند و با وجود عدم حمایت مالی و فنی از طرف دولت، دهقانان بی‌سرمایه و مظلوم، چاره‌ای جز انجام همان منظور اصلی اصلاحات ارضی شاهنشاهی را نداشتند؛ یعنی کوچ به شهر و مبدل شدن به کارگران روزمزد» (یاوری، ۱۳۵۹: ۲۱). در واقع، طرح از ابتدا به‌نفع روستاییان نبود و دهقانان و نوغان‌داران، ظاهراً مالک زمین بودند؛ اما ابزار تولید برای رقابت جهانی در دست سرمایه‌داران بود.

در ادامه سیاست‌های توسعه صنعتی، قسمت اعظم اعتبارات بخش کشاورزی به توسعه واحدهای بزرگ زراعی نظیر کشت و صنعت، سهامی زراعی و تعاونی تولید سبب شد که حتی بخش دهقانی، اعتبار موردنیاز برای کشاورزی بخورونمیر را هم نداشته باشد. متوسط میزان اعتبار پرداختی به سرمایه‌داران ارضی ۴۰۰ برابر و در مورد شرکت‌های سهامی زراعی، بیش از ۱۰۰ برابر متوسط اعتباری بود که بهره‌بردار دهقانی دریافت می‌داشت (ازکیا؛ لمبتون، همان: ۱۱).

در راستای ساماندهی ابریشم ایران، سرمایه‌ای معادل ۴۲۰ میلیون ریال که تماماً توسط دولت [پهلوی] پرداخت شده بود، برای ایجاد ۶۰۰ هکتار باغ توت در ۳ هزار هکتار ارضی اختصاص داده شد. طرح کرم ابریشم ایران، با مشارکت بخش خصوصی، در محدوده‌ای به مساحت ۲۶۰

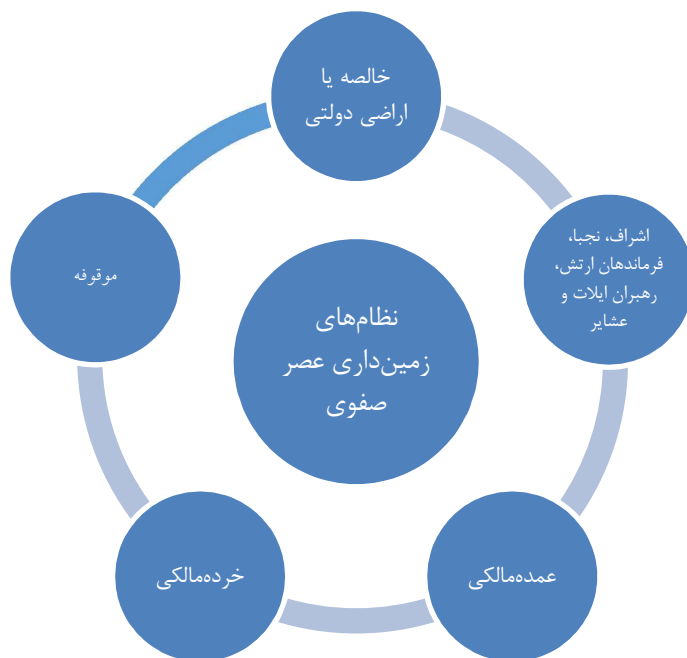
هکتار، کل سرمایه‌گذاری ۴ میلیارد ریال و پیش‌بینی حجم محصولی برابر ۲۰۰۰ تن ابریشم در سال، شروع به کار کرد. شرکت کشت و صنعت نوغان شمال، با سرمایه ۸۰ میلیون ریال در گیلان، توسط بخش خصوصی، با مشارکت سرمایه‌داران خارجی، به‌منظور ایجاد ۴۰۰ هکتار توتستان و تولید ۱۲ تن ابریشم انجام شد (سوداگر، ۱۳۶۹: ۳۱۷).

سیاست‌های اقتصادی-راهبردی دوره پهلوی، موفق به احیای نوغان‌داری نشدند؛ زیرا نیروی کار در نتیجه رشد شهرنشینی، به شهرها مهاجرت کرده بود و این امر سبب شد تا به بدنه صنعت کشاورزی ایران، در ابتدای قرن چهاردهم خورشیدی، لطمه‌های جبران‌ناپذیری وارد شود.

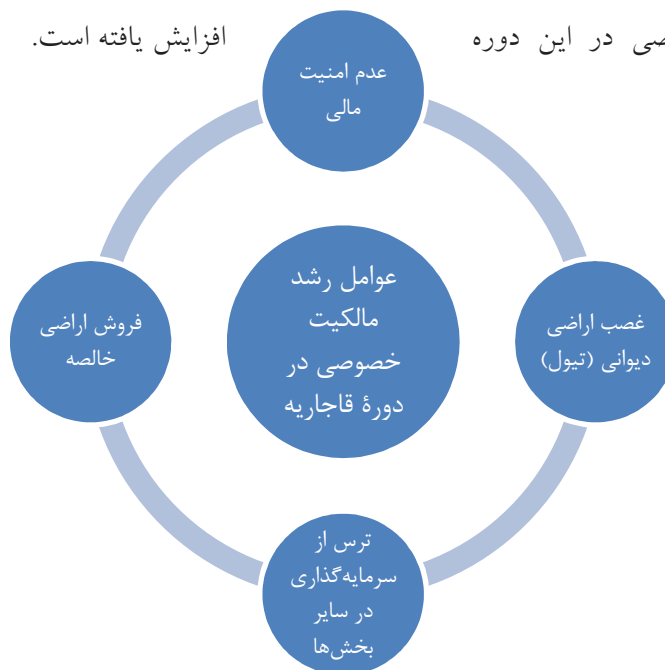
نتیجه‌گیری

گستره توتستان‌های گیلان و مازندران جهت تولید ابریشم، سبب شد تا این اراضی مورد توجه حکام، تجار و اشراف قرار گیرد. از آنجا که اقتصاد معیشتی بخشی از مردم نوغان‌دار گیلان و مازندران، وابسته به تولید ابریشم بوده است؛ بنابراین هرگونه تغییر در سیاست‌گذاری نظام زمین‌داری مناطق برخوردار از ابریشم، در وضعیت معیشتی روستاییان اثرگذار بوده است.

۱- شیوه‌های مالکیت اراضی در مطالعه پیش‌رو تا اواخر دوره صفویه، به شرح اینفوگرافیک زیر است:



۲- تغییرات شیوه‌های مالکیت خصوصی در این دوره
اراضی در دوره قاجاریه، نشان می‌دهد مالکیت افزایش یافته است.



بخش عمده‌ای از خریداران املاک خالصه؛ اشراف و نجبا، کارمندان عالی‌رتبه و طبقه بورژوازی تجار بودند که هر یک املاک وسیعی در گیلان و مازندران خریداری کردند. پیامدهای خصوصی‌سازی به شرح زیر است:

(۱) وضع قوانین مدون در باب مالکیت خصوصی؛ (۲) لغو تیول‌داری؛ (۳) رشد سرمایه‌داری؛ (۴) رشد کشاورزی تجاری؛ (۵) تأمین‌کننده مواد خام؛ (۶) توسعه حمل‌ونقل دریایی و خشکی؛ (۷) ورود سرمایه‌گذاران خارجی.

خصوصی‌سازی در دوره قاجاریه سبب ایجاد نظام سرمایه‌داری فئودالی به‌شیوه غربی و تشکیل طبقه آریستوکرات با نام خوانین شد. این شیوه نظام زمین‌داری، به‌دنبال محصولات با بهره بیشتر بود. ابریشم، با افزایش بها در بازار جهانی، در کنار برنج و چای، در این نظام سرمایه‌داری یکی از مهم‌ترین کالاهای هدف محسوب می‌شد. بهره مالکانه از اراضی وسیع نوغان‌داری، پیامدی جز استعمار نوغان‌داران نداشت. یکی از عوامل شورش‌های دهقانی در اواخر قاجاریه و عدم رضایت دهقانان و نوغان‌داران، نشأت گرفته از سیستم نوین زمین‌داری در این دوره بود.

۱- تغییرات شیوه‌های مالکیت اراضی در دوره پهلوی نشان می‌دهد اصلاحات اراضی، ساختار مالکیت خصوصی را تغییر داد. رعایای نوغان‌دار و خرده‌مالکان سیستم نوین، بدون دانش و توان مالی وارد رقابت در جامعه سرمایه‌داری شدند. هم‌زمانی رشد شتابان مدرنیزاسیون با اصلاحات اراضی، سبب شد تا با ایجاد کارخانه‌های مادر- دولتی تحت عنوان کشت- صنعت و سهامی عام و خاص، سیستم سرمایه‌داری وارد مرحله نوینی شود که نیاز به نیروی کار داشت. در نهایت، خرده‌مالکان حاصل از اصلاحات اراضی، با فروش زمین‌ها، یا رها کردن آن‌ها، جذب کار در کارخانه‌ها شدند. نتیجه تغییرات شیوه زمین‌داری در دوره پهلوی؛ ۱- مهاجرت بی‌رویه روستاییان؛ ۲- فروش زمین‌های کشاورزی به شرکت‌های دولتی و سرمایه‌داران خصوصی؛ ۳- تبدیل کشاورزان و نوغان‌داران به کارگران کارخانه‌های صنعتی شد.

در یک جمع‌بندی کلی، تغییرات شیوه زمین‌داری دوره‌های قاجاریه و پهلوی، به سمت رشد جامعه سرمایه‌داری وابسته حرکت کرد. در این تغییرات، روستاییان نوغان‌دار در مرحله نخست، کارگران زمین‌داران عمده و در مرحله دوم، کارگران کارخانه‌های صنعتی شدند. توستان‌ها در سیستم‌های شرکت‌های سهامی عام و خاص، به شیوه صنعتی احداث شدند و خرده‌زمین‌داران، با شیوه سنتی نوغان‌داری، یارای رقابت با آنان را نداشتند. در نتیجه تغییر شیوه‌های زمین‌داری در دوره‌های قاجاریه و پهلوی، نوغان‌داری در روستاهای گیلان و مازندران مضمحل شد.

پیوست شماره ۱- (مجلس شورای اسلامی، سند ۱۵۳۶)

[عریضه اهالی آب‌کنار انزلی به مجلس درباره سنگینی مالیاتشان و تقاضای تخفیف و رسیدگی]

مقام منبع بزرگان حضرت اشرف مؤتمن‌الملک رئیس دارالشورای ملی روحی فدا عرض و استدعای عاجزانه فدویان اهالی آب‌کنار انزلی به حضور مبارک آقایان است. بعد از اینکه در نتیجه انقلابات گیلان، عموم فدویان دچار فقر و فاقه و پریشانی گردیده، در خاتمه انقلابات، عموماً انتظار مساعدتی را از طرف مأمورین محترم دولت داشته‌ایم؛ ولی در این موقع امیدواری فدویان برعکس نتیجه داده، فشار مأمورین مالیه مزید بر پریشانی فدویان گردیده. تقریباً عن قریباً، از آب‌کنار ترک علاقه کرده، به محلات دیگر متواری شده‌اند؛ زیرا آب‌کنار سابقاً نهصد سی و یک تومان مالیات داشته؛ اقلماً دو مثلث این، مالیات باغات توت نوغانی تعلق گرفته بوده. نوغان و برگ

توت که به‌کلی از میان رفته، نابود شد؛ این مالیات را تمام از قسمت زراعتی از فدویان مطالبه می‌کردند و زراعت آب‌کنار هم در این سال‌های اخیر، از تهاجم اشرار و بلشویک و تعدیات سایرین، مقداری خرابه بایر و بی‌سکنه، اغلب رعیت‌ها از پا درافتاده، در سنه ماضیه، مأمورین مالیه در اغلب بلوکات، چهار فریضه و طوالش عشریه گرفته؛ ولی از آب‌کنار مطالبه مالیات نقدی نموده و به اصل مالیات هم اکتفا نکرده، از فدویان مطالبه تومانی دو قران حق‌الحکومه معمولی سابق را می‌نمایند. هرقدر در رشت تظلم نمودیم، احدی به داد مظلومین نرسیده؛ عریضه که به آقامیرزا آقاخان پیشکار عرض نموده بودیم، جوابی که در مقابل تظلم فدویان داده، سوادش را برای استحضار خاطر مبارک کتباً تقدیم نمودیم. با اینکه فدویان امروز برای قوت‌لایموت معطل و همه به درد فقر و فاقه مبتلا شده‌ایم و همیشه مطیع و منقاد مأمورین دولت متبوعه خود بوده‌ایم، آیا سزاوار است که در یک بالوک، مأمورین مالیه به اقسام مختلف مقابله نمایند؛ در یک ده، عشریه و در یک ده، اصل مالیات و در یک ده، اصل وافرعه و حق‌الحکومه! استدعا داریم از آستان مبارک، ترحمی و توجهی درباره فدویان آستان مبارک فرموده، رفع این ظلم را از فدویان بفرمایید. به پیشکار مالیه گیلان حکم شود، همان‌طوری که با سایر بلوکات گیلان معامله و رفتار نموده، عشریه مطالبه نمایند، از چاکران نیز عشریه دریافت نمایند. چاکران حاضر هستیم که مالیات عشر عایدات برنج و نوغانی را، به‌طوری که با عموم گیلانی و مالکین معامله می‌نمایند، عهده نماییم. مالیات سنه ماضیه هم از مطالبه تومانی دو قران افرعه چاکران را معاف نمایند؛ زیرا در تمام نقاط گیلان چنین معمولی نبوده، فقط نمی‌خواهیم در حق چاکران اجحاف کنند.

هرگاه درباره فدویان بذل و توجه فرمودند، حکم آسودگی فدویان و جواب عریضه چاکران را به‌درستی ذیل مرحمت فرمایید؛ رشت منزل یوسف‌خان شفتی، به رعایای آب‌کنار انزلی برسد.

پیوست شماره ۲- (مجلس شواری اسلامی، سند ۱۴۲۱)

[عریضه رعایای شلمان لنگرود به مجلس و درخواست تخفیف مالیات به‌جهت عمل‌نیامدن نوغان و پاسخ مجلس]

مقام منیع هیئت روسای مجلس محترم جلیله، دامت برکاتهم، معروض می‌دارد عرض و استدعای رعایای شلمان به آستان مبارک آن است؛ چند سالی بود تجاری خارجه تخم نوغان می‌آوردند در ولایت گیلان می‌دادند؛ در این حال به چاکرین اطلاع دادند که تخم نوغان

آورده‌ایم، دعاگویان برای اعتنایی مملکتی امتناع در گرفتن تخم نوغان نمودیم که راه فرنگستان مسدود بود، تخم نوغان‌های مال فرنگستان نیست به عموم چاکرین مغرور در گرفتن تخم نوغان نمودند هر طوری بود سعادت سابقه تخم نوغان خریدیم، به‌توسط خود و عاملین تخم نوغان تحویل گرفتیم به محل شلمان، دریاکنار، ویسه، خافخر، یوناغ و حاجی محله و سایر قراها که نزدیک به محل ماها بوده، داده، بعد از گذاشتن تخم نوغان به تل انبارها تماماً خراب شده و تمام توت‌ها بایر مانده بود. معاش کمترینان در این قراء از حاصل نوغان بوده، امر معیشت از دست رفته، محل کمترینان بی‌بار شده. در این قراء مبلغ کلی مالیات به دولت تقدیم می‌شود. ملاحظه حقارت و آه و ناله اطفال و تحت کسری حساب از طلب خارجه و داخله یکسره قطع امید بریده شد. گشایش کارهای خود را، اول از پروردگار و دوماً از امنای مجلس محترم می‌خواهیم. تشکیل مجلس رؤسا برای رفاهیت حال فقرا و دادرسی مظلومان است، فقیریم، چاره نداریم؛ اولاً تحقیق کنید مطالب معروضه ما صدق بوده، توجه مراحم کامله خود را در حق فقرا و ضعفا منظور دارید؛ به‌نوعی که از عهده‌ی زندگی خود برآمده و آسایش خود را از هیئت محترم مجلس و روسای محترم جلیله خواهانیم.

رشت مورخه ۲۵ - رمضان ۱۳۲۸



۱۰۹ خ
کارگذاری مهم‌م خارجگیلان

تمام زمین‌داری جغرافیه

نمبر ۱۹۳۳

ضمیمه

نظارت در آنجا که در مواردی که در این اسطرگت میسر نیست وقت آنجا که
 بسبب عدم باطاعت مزارعین در پرداخت حق داریان زمین
 ادین هر چند در وقت مصلحت در امور دولت و در آنجا که در آنجا که
 حاصل از زمین قوت بر این قاعده ایران در آنجا که در آنجا که
 در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که
 در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که
 در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که
 در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که
 در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که
 در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که
 در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که
 در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که

مزارعین ایران در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که
 در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که
 در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که
 در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که
 در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که
 در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که
 در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که
 در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که
 در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که
 در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که
 در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که
 در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که



کتاب‌ها

- آدمیت، فریدون و هما ناطق (۱۳۵۶)، *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشرنشده دوران قاجار*، تهران: آگاه.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۶۶)، *نقدی بر مطالعات توسعه روستایی در ایران*، مجموعه مقالات کتاب توس، به‌اهتمام محسن باقرزاده، نشر توس.
- اشرف، احمد (۱۳۵۲)، *مشخصات اقتصادی و اجتماع نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران*، تهران: نشریه مرکز آموزش و پرورش در برنامه‌ریزی منطقه‌ای.
- ابن‌حوقل، محمد بن حوقل (۱۳۴۵)، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد (۱۳۶۸)، *المسالک و الممالک*، تصحیح ایرج افشار، تهران: علمی و فرهنگی.
- اورسل، ارنست (۱۳۸۲)، *سفرنامه قفقاز و ایران*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- الثاریوس، آدام (۱۳۶۳)، *سفرنامه*، ترجمه احمد به‌پور، تهران: ابتکار.
- بدیعی، ربیع (۱۳۷۲)، *جغرافیای مفصل ایران*، تهران: اقبال.
- بنجامین، ساموئل گرین‌ویلر (۱۳۶۹)، *ایران و ایرانیان؛ عصر ناصرالدین‌شاه*، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران: جاویدان.
- پناهی، عباس، سیدحسین حسینی‌مقدم، نادیا ره (۱۴۰۰)، *صنعت نوغان گیلان در مسیر جاده ابریشم*، رشت: دانشگاه گیلان.
- تحویل‌دار، میرزا حسین (۱۳۴۲)، *جغرافیای اصفهان*، ترجمه منوچهر ستوده، تهران: دانشگاه تهران.
- ثعالبی، حسین‌بن محمد (۱۳۷۲) *تاریخ غرالسیر (شاهنامه کهن)*، ترجمه سیدمحمد روحانی، مشهد: دانشگاه مشهد.
- جمال‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۴)، *گنج شایگان؛ اوضاع اقتصادی ایران*، تهران: سخن.
- *حدودالعالم من المشرق الی المغرب* (۱۳۷۰)، به‌کوشش منوچهر ستوده، تهران: طهوری.

- کوچکو، الکساندر (۱۳۸۸)، سرزمین گیلان، ترجمه سیروس سهامی، رشت: فرهنگ ایلیا.
- خیام‌نیشابوری، عمر بن ابراهیم (۱۳۵۷)، نوروزنامه، تهران: اساطیر.
- دادگی، فرنیغ (۱۳۶۹)، بُندَه‌ه‌ش، ترجمه مهرداد بهار، تهران: توس.
- رایینو، لویی (۱۳۶۶)، ولایات دارالمرز ایران، گیلان، ترجمه جعفر خمami زاده، رشت: طاعتی.
- رجب‌زاده، هاشم (۱۳۹۲)، گیلان در سفرنامه‌ها و پژوهش‌نامه‌های ژاپنی، رشت: فرهنگ ایلیا.
- سیف، احمد (۱۳۸۰)، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، تهران: چشمه.
- سوداگر، محمدرضا (بی‌تا)، رشد روابط سرمایه‌داری در ایران (مرحله انتقالی)، تهران: پازند.
- شاردن، ژان (۱۳۹۳)، سفرنامه، ترجمه اقبال یغمایی، ج ۵، چاپ دوم، تهران: توس.
- طاهری، محمد (۱۳۹۵)، شیوه‌های سنتی و فرهنگ عامیانه کشاورزی در گیلان (گندم، ابریشم، زیتون، توتون، بادام‌زمینی، نیشکر)، (دانشنامه)، رشت: فرهنگ ایلیا.
- بیابانی، محمدرضا (۱۳۷۴)، ابریشم گیلان، جلد چهارم کتاب گیلان، به‌کوشش اصلاح عربانی، تهران: گروه پژوهشگران ایران.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار ۱۳۳۲ - ۱۲۱۵ ه.ق، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- کرزن، ناتانیل جورج (۱۳۸۰)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحیدمازندرانی، تهران: کتیبه.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۴)، گیلان در گذر زمان، تهران: جاویدان.
- فرجی، عبدالرضا و دیگران (۱۳۶۶)، جغرافیای کامل ایران، تهران: ایران.
- فریزر، جیمز (۱۳۶۴)، سفرنامه فریزر، ترجمه غلامعلی مازندرانی، تهران: توس.
- فشاهی، محمدرضا (۱۳۶۰)، تکوین سرمایه‌داری در ایران، تهران: گوتنبرگ.
- فوران، جان (۱۳۸۹)، مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.

- قزوینی، زکریابن محمدبن محمود (۱۳۶۶)، آثارالبلاد و اخبارالعباد، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی (هژار)، تهران: اندیشه جوان.
- لمبتون، آن کاترین سواين فورد (۱۳۹۳)، مالک و زارع در ایران، منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی.
- لافون، ف. ه. ل، رابینو (۱۳۷۲)، صنعت نوغان در ایران، ترجمه خماسی زاده.
- محمود، محمود (۱۳۴۴)، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی، تهران: اقبال.
- نوزاد، فریدون و علی امیری (۱۳۹۱)، نامه‌های گیلان: مکاتبات پراکنده از مجموعه الکساندر حوچکو کنسول روسیه در گیلان در دهه ۱۸۳۰ میلادی، رشت: فرهنگ ایلیا.
- مقدسی، ابو عبدالله محمدبن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- میرزا سمیع، محمد سمیع (۱۳۶۵)، تذکره الملوک. (سازمان اداری حکومت صفویان (تعلیفات مینورسکی)، ترجمه مسعود رجب‌نیا، به کوشش سیدمحمد دبیرسیاقی، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- وثوقی، منصور (۱۳۶۹)، جامعه‌شناسی روستایی، تهران: کیهان.
- وزارت کشاورزی (۱۳۶۷)، «صندوق مطالعاتی توسعه نوغان‌داری و صنایع ابریشم ایران، امکانات توسعه نوغان‌داری و صنایع ابریشم کشور»، معاونت امور واحدهای تولید و کشت صنعت‌ها.
- هولمز، ویلیام ریچاردز (۱۳۹۰)، سفرنامه ساحل خزر، ترجمه شبنم حجتی سعیدی، رشت: فرهنگ ایلیا.
- یآوری، احمدرضا (۱۳۵۹)، شناخت کشاورزی سنتی ایران، تهران: کتاب.

مقالات و پایان‌نامه‌ها

- حسن‌زاده، فرزاد. (۱۳۹۱)، تحول نظام حقوق مالکیت زمین در ایران (از دوره مشروطه تا سقوط پهلوی اول)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه تهران.

- ثواقب، جهانبخش. (۱۳۸۱)، «ابریشم گیلان»، پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۳.
- کاظم بیگی، محمدعلی. (تابستان ۱۳۸۹) «اصطلاحات مالی مجلس اول و اجرای آن در مازندران»، تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (س)، س ۲۰، دوره جدید، ش ۶، پیاپی ۸۵، ص ۱۶۳ تا ۲۰۲.

اسناد

- پژوهشکده گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان، سند شماره GH1325- K27- P15، «خرید زمین- های کشاورزی شمال ایران توسط اتباع روسیه».
- _____، مجله فلاح و تجارت، س ۲، شماره ۱، ۱۲۹۸، ۲۳، مجموعه دکتر معین.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۹۶/۱۶۲۷۱.
- _____، سند شماره ۲۹۶/۲۲۸۱۲.
- _____، سند شماره ۳- ۴۷۲۵- ۲۴۰.
- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، عریضه اهالی آب‌کنار انزلی به مجلس درباره سنگینی مالیاتشان و تقاضای تخفیف و رسیدگی، سند شماره ۱۵۳۶.
- _____، عریضه رعایای شلمان لنگرود به مجلس و درخواست تخفیف مالیات به جهت عمل نیامدن نوغان و پاسخ مجلس، سند شماره ۱۴۲۱.
- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه: «شرح گزارش کارگزاری مهم خارجه گیلان در باب تجارت تخم نوغان با یونانی‌ها به وزارت امور خارجه»، سند ۳۸- ۰۴- ۲۵- ۱۳۲۸ ق.